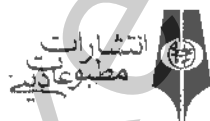




سیب زلف، سیب مرد
سینه سینه

دو سیب در یک سیب

کریم فیضی



سیب زن، سیب مرد

کریم فیضی

مطبوعات دینی

اؤل / ۳۰۰۰

رقعی / ۸۸

قدس / ۱۳۸۶

قیمت / ۱۲۰۰ تومان

شابک: ۸-۵۶-۸۸۱۸-۹۶۴

ISBN : 964 - 8818 - 56 - 8

خیابان ارم، شماره ۲۸۵

تلفن: ۷۷۴۲۸۴۷ - ۷۷۴۹۳۶۱

دورنگار: ۷۷۴۹۳۶۲

مهم‌تر اینکه: تمام داستان‌ها و تک‌تک قصه‌ها
ضروری‌اند، همانگونه که تمام انسان‌ها
ضروری هستند. همانگونه که از بین بردن یک
انسان بدون داشتن دلیل جرم است و جنایت،
از بین بردن یک قصه نیز، بدون آنکه دلیل
داشته باشد، بی شک جرم است، یک جرم
بزرگ. اصلاً شک نکن، یک ذره هم شک نکن!
هیچ کس حق ندارد قصه‌ای را از بین ببرد و
این منطقی نیست که قصه‌ای از بین برود، مگر
اینکه قصه‌ای دیگر جایگزین آن شود.

www.ketab.ir

هر چیزی قصه است، جُز عدم! عدم تنها چیزی
است که قصه نیست و هیچ حکایت و داستانی
هم ندارد. شامه! تا حالا شنیده‌ای کسی
قصه‌ای از نیستی بگوید؟

یادت باشد، اگر از درد محروم می‌شدی، هرگز
صاحب چیزی که امروز صاحب آن هستی،
نمی‌شدی: قصه‌ای که مال توست و دیگری
فاقد آن است و نمی‌داند چگونه باید آن را
بخواند؛ از چپ یا راست؟! اگر سرت به
دیوارها نمی‌خورد، قصه‌ات این اندازه شیرین
و شنیدنی نمی‌شد!

در دنیا فقط یک انسان وجود دارد که در فردی
به شکل مرد و در فردی دیگر به شکل زن تجلی
می‌کند، ولی زن و مرد جدا از هم نیستند. هر
مردی، درون خودش زنی دارد و هر زنی
درونش مردی دارد، ولی این واقعیت را نه
زن‌ها می‌دانند و نه مردها. مشکل بشر درست
از همین جا آغاز شده است. تفاوتی میان زن و
مرد وجود ندارد، جز اینکه نمی‌دانند نیمهٔ یک
سیب هستند: زن نصف سیب خلقت است و
مرد نصف دیگر سیب و سیب، فقط یک سیب
است.

درون هر زنی، مردی زندگی می‌کند که
«محبوب» اوست و درون هر مردی، زنی زنده
است که «شاهد» اوست. اگر آنها بتوانند
همدیگر را پیدا کنند، آن وقت، آنها می‌توانند
بدانند چه کسی هستند، می‌توانند بفهمند هم
هستند، «شاهد» هم، «محبوب» هم! و می‌توانند
در پاسخ به این سؤال‌شان که «تو کی هستی»
بگویند: همان که تویی!

و اگر دیگری پرسید: اگر تو همان هستی که من
هستم، پس تو چه کسی هستی؟ در جواب
اسم‌هایشان را می‌گویند، همانگونه که من
گفتم: من محبوب و تو شاهد!..

هر یک از ما، هر کس که باشیم، کتابی از کتابخانه‌ای هستیم که الزاماً قصه است، هرچند به اسم فیزیک یا فلسفه خوانده شود. هر یک از ما، برگی از یک کتاب بزرگ هستیم که خود، کتابی از کتاب‌های قصه و داستان است.

اصلاً کتاب یعنی: قصه

اصلاً انسان یعنی: قصه

اصلاً قصه یعنی: قصه.

بعضی قصه‌ها «علم»، بعضی قصه‌ها «هنر»، بعضی قصه‌ها «اخلاق»، بعضی قصه‌ها «تاریخ»، بعضی قصه‌ها «عرفان» و بعضی از آنها چیزهای دیگری هستند. هر کتابی یک قصه است و هر انسانی یک قصه دیگر، ولی قصه، فقط قصه نیست، ضرورت است. ما از قصه روئیده‌ایم: جوانه زدنمان یک قصه است و خشکیدنمان قصه‌ای دیگر. به هر کجا بنگری، قصه‌ای است و هر حالتی، تصویری از یک قصه است، یا اول قصه یا آخر قصه.

www.ketab.ir

زندگی‌تان را به قصه بدل کنید و جوری
تألیفش کنید که به تجدید چاپ برسد و به
حق‌الحیات منتهی شود. زندگی یکنواخت فاقد
ارزش است، همانگونه که قصه یکنواخت،
خسته کننده است.